**جلسه107**

در مورد اسکناس ها به عنوان یکی از مصادیق غامض مالیت، وجوهی برای اثبات مالیت مستقل و واقعیه داشتن آنها ذکر شد، هرچند گفته شد این مالیت مستقله، ذاتی نیست یعنی اگر اعتبار نبود مالیت محقق نمی شد، اما از باب دخل اعتبار به نحو حیث تعلیلیه خود این اسکناس ها مالیت داشتند.

در مقابل، وجوهی هم برای اثبات سندیت و نداشتن مالیت مستقله ذکر شد، اما همه این وجوه محل اشکال بود، یا از این جهت که در برخی از وجوه ادعاهای مطرح شده ادعای صحیحی نبود، یا این که در برخی از وجوه، خصوصیاتی که از طریق آنها استدلال بر مدعی شده بود لازم اعم بودند و طبعا وجود این خصوصیات نمی توانست کاشف از سندیت در مقابل مالیت مستقل باشد.

تذکر: آن چه تا به حال محل بحث بود، فقط حیثیت مالیت داشتن در مقابل سند بودن بود، اما احکام دیگری که در مورد اسکناس ها محل بحث و اختلاف است در جای خود مطرح خواهد شد، هرچند به برخی ثمرات در بحث های آینده اشاره خواهد شد اما مقصود اصلی در این بحث، اثبات مالیت مستقله داشتن بود.

# مصداق هفتم غامض مالیت کارت های اعتباری

آیا کارت های اعتباری که از طرف بانک ها یا غیر بانک در اختیار افراد قرار می گیرند بنفسها مال هستند یا این که سند برای مال دیگر هستند؟

بحث کارتهای اعتباری به عنوان یک موضوع مستقل در بحث معاملات مالیه مطرح است. دراين موضوع جهات مختلفی جای بحث دارد يکی از آن جهات اين است که :آيا کارت اعتباری (بطاقة الائتمان) خودش مال است وماليت مستقل دارد يا اينکه حيثيت سنديت برای امر ديگری را دارد که آن امر ديگر مال است؟ بحث دیگر این است که در مواردی که با این کارت ها معامله می شود، حقیقتا چه امری اتفاق می افتد؟ وجهات ديگری ازبحث .

آن چه فعلا محل بحث است این است که آیا این کارت ها مالیت دارند یا سند بر مال دیگر هستند.

با توجه به مراحلی که بر کارت های اعتباری گذشته است، می توان آن را به دوقسم تقسيم کرد :

در ابتدا، این کارت ها در همین حد بودند که موسسات و شرکت ها کارت هایی را چاپ و در اختیار مردم می گذاشتند که به وسیله این کارتها فقط اجناس خاصی را می توانستند تحصیل کنند. اما بعد ها با دخالت بانک ها در ایجاد این کارت ها، به این صورت شد که هم اجناس مورد غرض دارنده کارت قابل تحصیل است و هم این که می تواند با آنها پول و اسکناس تحصیل کند. در دوره فعلی، کارت های بانکی، فقط برای تهیه اجناس نیست و پول هم به وسیله آن تحصیل می شود البته ممکن است کارتهای اعتباری ای هم وجود داشته باشد که فقط برای بدست آوردن کالا ها واعيان خارجی قابل استفاده باشد .

**در مورد قسم اول** که کارت فقط وسیله تحصیل اجناس خاص است ، با توجه به مباحث سابق در مورد مالیت داشتن تمبر ها یا کوپن ها،که بیان شد : >ضابطه مالیت مستقل این است که برخورد عرف عام به این نحو باشد که برای خود شیء مالیت قائل اند.(ونشانه آن این بود که در صورت از بین رفتن خود شیء جهت صادر کننده تعهدی نسبت به صادر کردن دوباره آن يا اداء مابازاء آن ندارد .)< اگر جهت صادر کننده کارت يا طرف قرارداد جهت صادر کننده که دارنده کارت برای گرفتن کالا به آن مراجعه می کند حتی در صورت تلف شدن کارت (به پاره شدن یا سوختن يا گم شدن ) با ارائه شماره ورمزآن کارت ، متعهد به تحویل آن کالا وتأمین غرض دارنده کارت باشند ،(بشرط اينکه قبلا ازآن کارت در آن جهت استفاده نشده باشد) دراين فرض کارت ها فقط سند برای گرفتن کالاهای مورد نظر می باشند ومال مستقل حساب نمی شوند . اما اگر چنین جهت صادر کننده يا طرف قرار داد آن چنين تعهدی نداشته باشند بلکه درصورت از بين رفتن کارت – هرچند شماره ورمز آن در ياد صاحب آن باشد-هيچ مسئوليتی را قبول نمی کنند ،در اين فرض بعيد نيست که خود کارت مالیت مستقل داشته باشد بخاطر آنکه خود کارت منفعتی پیدا می کند که به خاطر آن منفعت مورد تنافس عقلاء قرار می گیرد مثل کوپنهايی که برای دريافت کالا به اشخاص می دهند البته در مقدار ماليت وقيمت کارت ملاحظه می شود که آيا بصرف ارائه کارت کالای مورد نظر را تحويل می دهند يا در کنار آن بايد مبلغی ازپول هم بپردازند مثل کوپن های اخذ کالا ، اگربصرف ارائه کارت کالا را می پردازند بدون ضميمه طبعاً قيمت آن کارت تقريباً قيمت همان کالايی می شود که با آن دريافت می کنند (با يک مقدار تفاوت برای زحمت مراجعه به فروشگاه خاص ،وايستادن در صف وامثال آن) ،اما اگر با ضميمه کالا را می دهند قيمت کارت بصورت تقريبی قيمت هما کالا است باستثنای مقدار ضميمه، مثل کوپن ها که اجناسی را با آن می دادند ، تحويل آن اجناس مجانی نبود بلکه با قیمت نازل تری عرضه میشد. دراین صورت، مقدار مالیت کوپن، به قدری است که اگر ضمیمه به مبلغ کم بشود فلان مقدار جنس را با آن می دادند، مثلا کوپنی که با ضمیمه کردن هزار تومان به آن، جنس پنج هزار تومانی می دهند، طبعا در حدود چهار هزار تومان قیمت و مالیت دارد (البته ملاحظه مراجعه به فروشگاه خاص و زحمت درصف قرار گرفتن باعث می شود که کوپن را به مبلغی کمتر از چهارهزار تومان بخرند) .

بهرحال در اين قسم که جهت مصدره وطرف قرارداد آن مسئوليتی در قبال از بين رفتن کارت ندارند از نظر عرف عام عقلاء کارتهای اعتباری ماليت مستقله دارند،چون مقومات وعناصر ماليت در آنها وجود دارد (دارای منفعتی هستند که بلحاظ آن منفعت مورد رغبت وتنافس عقلاء قرار می گيرند بطوری که حاضرند برای تحصيل آن بذل عوض کنند ،هرچند منفعت آنها ذاتی وباقطع نظر از اعتبار نبود بلکه با اعتبار پيدا شده ولی دخالت اعتبار درمنفعت پيدا کردن وماليت داشتن آنها در حدّ حيثيت تعليليه است نه حيثيت تقييديه -نظير دخالتی که در ماليت پولها داشت). اين قسم از کارتها مثل کوپنها از آنجائيکه وسيله مبادله کالاها قرار می گيرند دارای منفعت عقلائي شده وماليت پيدا کرده اند.

**اما قسم دوم** – کارتهايی که برای گرفتن پول هم استفاده می شود،علاوه برتهيه کالاها با آنها- دراين کارتها در دو مرحله بايد بحث شود مرحله اول با توجه به وضعيتی که فعلاً دارند که هنوز پولهای کاغذی از رواج نيفتاده اند ،مرحله دوم باتوجه به وضعيتی که درآينده ممکن است پيدا کنند که معاملات مردم فقط با کارتها انجام بگيرد بدون اينکه پول کاغذی در بين باشد .

**اما مرحله اول –باتوجه به وضعيتی که فعلاً دارند-** باتوجه به اينکه در وضعيت فعلی جهت مصدره متعهد است که در وقت گم شدن وتلف شدن کارتهای بانکی کارت ديگری صادر کند يا اگر کارت ديگری صادر نکرد وجه کارت که درحساب شخص وجود دارد از بين نمی رود بلکه ازراه مراجعه مستقيم به بانک قابل برداشت است ،اين کارتها باشماره ورمزی که دارند سند برای وجهی است که درحساب شخص در بانک وجود دارد نه مال مستقل.

بله قبلا هم اشاره شد که اگر فرض کنیم کارت بانکی به شخص خاصی داده می شود به طوری که جهت صادر کننده هیچ الزامی در فرض تلف آن ندارند مثل کارت های هدیه، ممکن است بگوییم بنفسه مال هستند چون منفعتی دارد که بالاعتبار حاصل شده یعنی این منفعت که وسیله تبادل اشیاء است به سبب اعتباربه عنوان حيثيت تعليليه پيدا شده است . اما در زمان فعلی، نوع کارت ها حالت سندیت داردند چون جهت مصدره ملزم به پرداخت مابازاء است.

**اما مرحله دوم –وضعيتی که ممکن است در آینده برای کارتهای بانکی پیدا شود-** يعنی به مرحله ای برسد که دیگر در آن مرحله، پول رد و بدل نشود و اسکناس از دایره مبادلات حذف شود و فقط با کارت ها مبادله انجام شود، در این مرحله پولی وجود ندارد که کارت بانکی را سند برای آن پول قرار دهیم. ولی در این مرحله، باز هم کارت حالت سندیت دارد اما ذوالسند و مرئی به وسيله کارت، مقدار خاص و اعتبار خاص است که از آن تعبیر به توان خرید می شود. یعنی مشار الیه و ذوالسند، می شود حیثیت اعتباریه و این که می تواند با این کارت، اشیاء يا خدماتی را با قیمت معین تحصیل کند. اما اينکه این اعتبار عقلائی ماليت برای قدرت خاص خريد –که وجود فيزيکی ندارد نه ذات عين خارجی است نه وصف آن-مورد امضاء شارع هم قرارمی گيرد یا نه ؟ يعنی می توانیم امضاء شارع را نسبت به این اعتبارات مالیه که به نحو مستحدث ایجاد شده احراز کنیم يا نه؟

در چنین مواردی که بناء عقلاء بر امر مستحدثی شکل می گیرد، اثبات امضاء مبتنی است بر بحث صحت استدلال به سیره عقلاء در مسائل مستحدثه. اگر کسی در مسائل مستحدثه قائل شد به این که با بناء عقلاء امضاء شارع را نمی توانیم احراز کنیم، مجرد وجود بناء عقلائی کافی برای ترتیب اثر نخواهد بود.بله اگر موضوع اثر، عین خارجی باشد که در ضمن شیءِ دارای منفعت ذاتی تجسد پیدا می کند یا شیء دارای منفعت غیر ذاتی مثل پول، آثار بار می شود اما اگر شیئی هیچ تقیدی به عین خارجی ندارد و نزد عقلاء برای آن اعتبار مالیت شده، دلیلی بر امضاء شارع نسبت به این اعتبار وجود ندارد. روی اين حساب این با بحث اسکناس ها متفاوت است؛ چون اگر شیء خارجی به خاطر وسیله مبادله شدن، ارزش پیدا کند، این ارزش و مالیت امضاء شده است و روایات درهم و دینار امضاء این جهت است. بله بين پول کاغذی و درهم ودينار این تفاوت وجود دارد که درهم و دینار قیمت ذاتی آن هم مهم بوده در حالی که اسکناس ها قیمت ذاتی آن کم است و لحاظ نمیشود، اما این قلت و کثرت قیمت ذاتی، خصوصیتی ندارد و امضاء شارع در مورد نقد خارجی به طور مطلق استفاده می شود.